

تأثیر دروغ بر زندگی فردی و اجتماعی

خدیدجه ابراهیم پور

چکیده

یکی از اعضای بدن که هم به واسطه آن خیر بیشمار به انسان می رسد و هم شر بی اندازه ، زبان است. زبان هم مایه کمال است و هم مایه فلاکت به واسطه زبان انسان گناهان بیشماری را مرتکب می شود که اکثر آنها گناهان کبیره هستند زبان هم می تواند با سخنان عالمانه و مقالات حکیمانه جامعه بشری را به سوی کمال سوق دهد هم می تواند به واسطه دروغ، غیبت، فحاشی انسان را به سوی دوزخ رهنمون سازد در رابطه با این موضوع سعی شده با استفاده از آیات قرآن کریم و فرمایشات امام معصوم (ع) به جنبه زشت زبان پرداخته شود تا مایع برت و دوری از گناه گردد.

کلیدواژه : دورویی ،دروغگو، روسیاهی، بی اعتمادی

مقدمه

ستایش بسیار و بشمار از آن آفریدگار توانایی هستی است آنگونه ستایش شایسته و با و بسته ای خوشنودی او را فراهم آورد و درود خدا بر پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد سلام الله علیه و آله آن پیامبر برگزیده بارگاه حق و بر خاندان پاک اندیش و پاکیزه آش باد که برترین آفریدگان آفریدگاران افزون بر کران تا کران قرآن و سخنان الهام بخش و درس آموز پیشوایان راستین همه دلایل و شواهد خودمندان نشانگر آن است که جهان هدفمند است و در میان پدیده های بشمار و گوناگون جهان هستی و آفرینش انسان نظام مند و هدف دار و بسیار دقیق و حساب شده است و هدف از آفرینش او رشد و اوج کمال و شکوفایی و زندگی پاک و پاکیزه و عادلانه و آراسته ی به وصف ها و ارزش ها والای انسانی و خداپسندانه یا رنگ زیبا و دل انگیز خدا گرفتن و به رنگ ماندگار و جاودانه آراسته گردیده است هدف از آفرینش انسان این است که انسان پرتوی از کیمیای ناشناخته حیات و نعمت بی بدیل و صف ناپذیر زندگی را از آن سرچشمه حیات و آن یکتا زندگی آفرین و زندگی ساز بگیرد و رنگ او را بپذیرد زندگی واقعی است که انکار ناپذیر که انسان را به خود مشغول کرده و شامل دو بعد است .

الف) بعد مادی: که مشتمل بر امور جاری و دنیوی است.

ب) بعد معنوی : که باید انسان در راستای آن راه کمال و تعالی را طی نماید راه کمال همان رسیدن به مقام مقرب الهی است و برای رسیدن به آن باید از برنامه و دستورالعمل های خاصی تبعیت که این برنامه و دستورات را پیامبران و ائمه(ع) و بزرگان دین پیش روی انسان قرار داده اند برای پیمودن این راه انسان باید در مرحله اول ایمان به خدا را با تمام وجود و به صدق دل بپذیرد و با اخلاص به عبادت معبودش بشتابد و در مرحله دوم با توجه به آموزه های دین باید نفس خود را به تقوا زینت دهد و از انجام گناه و معاصی پرهیز نماید و دو مرحله سوم باید از گناهانی که از اعضاء جوارح انسان سرمی زند و از رسیدن به کمال الهی او را باز می دارند اجتناب نماید.

اخلاق از کهن ترین مفاهیم شناخته شده بشری است. در هر جامعه ای می توان جای پای اخلاق را دید؛ به گونه ای که به سادگی می توان ادعا که هیچ جامعه ای بی اخلاق وجود ندارد. اساساً اجتماع مردم و تحقیق جامعه در گرو تن دادن به قواعد رفتاری خاصی است که پاره ای از آنها به عنوان اخلاق شناخته می شود. به سخن دیگر می توان اخلاق را هم زاد بشر دانست. ریشه یابی واژگانی این اصطلاح در زبان عربی و انگلیسی گواه این ادعاست. واژه «اخلاق» جمع خلق است. به گفته راغب اصفهانی، لغت

شناس بزرگ این واژه با کلمه خلق «آفرینش» هم ریشه است؛ یعنی هر دو واژه و معنای آفریدن و خلقت می باشد.

اخلاق در سه سطر به انسان کمک می کند:

الف) در سطح فردی، او هماهنگی و آرامش درون و ثبات می بخشد.

ب) در سطح اجتماعی، امکان زیست بهتر را برای هر کس فراهم می آورد.

آیا اخلاق و روحیات اشخاص در سایه تربیت قابل تغییر است؟

این سوالی است که سرنوشت علم اخلاق را روشن می سازد زیرا اگر قبول کنیم اخلاق و روحیات افراد تا به وضع ساختمان روح و جسم آنهاست، علم اخلاق علم بیهوده ای خواهد بود. اما اگر پذیرفتیم که قابل تغییر است، اهمیت و ارزش این علم به خوبی روشن خواهد شد. بعضی دانشمندان احتمال اول را پذیرفته اند و معتقداند. همانطور که برخی درختان مثلاً میوه تلخ دارند، با تربیت باغبان تغییر ماهیت نمی دهند، بعد گواهان و آنا پاکدلان نیز با «تربیت» تغییر روحیه نخواهند داد و اگر هم تغییر پیدا کنند بسیار سطحی است و به زودی به حالت اول باز می گردند! آنها می گویند: ساختمان جسم و جان رابطه نزدیکی با «اخلاق» دارد و در واقع اخلاق هر کس تابع وضع خلقت روح و جسم اوست و به همین دلیل قابل تغییر نیست و احادیثی مانند: «الناس معادن کمعادن الذهب و الفضه» مردم همچون معادن طلا و نقره اند و آن را نیز شاهد مدعای خود قرار می دهند.^۱

همه خواهان خوشبختی و سعادت اند. هیچ کس را نمی یابیم که آرزوی بدبختی کند و از نیک بختی و سعادت بعدش آید و در این مسئله هیچ اختلافی بین انسانها نیست، باسواد باشد یا بی سواد، شهر نشین باشد یا ده نشین ایرانی باشد یا یکی از کشورهای اروپایی یا عربی؛ ولی اینکه سعادت و نیک بدبختی چیست و انسان در چه صورت خوشبخت است، مورد اختلاف دانشمندان است و نظریان مختلف بیان کرده اند. فعلاً مناسب نیست که وارد آن مسائل بشویم. در جهان امروز عده ای زیادی در کشورهای اروپا و آمریکا هستند که خوشبختی را در این دنیا از همه بیشتر خوشی و لذت ببرند و گرفتاری و ناراحتی کمتر داشته باشند و هر چه بیشتر لذت برده و کمتر غم و اندوه و ناراحتی ببینند خوشبخت هستند. ما مسلمانان و معتقد به کتاب آسمانی قرآن هستیم، بینیم از نظر قرآن چه کسی نیکبخت و سعادت مند و چه کسانی بدبخت و بیچاره. مسلماً کسی رستگار و نیکبخت شد که خود را تزکیه کرد و کسی بدبخت و بیچاره شد و از رحمت الهی محروم گشته خود را به انواع گناهان آلوده ساخت سعادت و خوشبختی در انجام واجبات و ترک گناه است. مدح امام علی (ع) می فرمایند: «هیچ دردی برای دلها،

برتر از گناه نیست». در قرآن و احادیث معصوم (ع) گناهان بر دو قسمت تقسیم شده اند: (۱) گناهان کبیره (بزرگ) (۲) گناهان صغیره (کوچک). تعداد گناهان کبیره به طور کامل مشخص نیست. در بعضی از روایات ۷ و در برخی ۹ در بعضی ۲۱ و در پاره ای ۳۱ نقل شده است و آیت الله دستغیب می فرماید در روایتی از ابن عباس آمده است که گناهان کبیره به ۷۰۰ نزدیکتر از تا به ۷. در روایات نمی خواستند تمام گناهان کبیره را تعیین کند بلکه به مناسبت خاص به قسمتی از آنها اکتفا می کردند و این که در قرآن مجید و در روایات ائمه معصومین (ع) به صورت کامل گناهان کبیره بیان نشده است حکومت هایی دارد که از آن جمله ایجاد حالت ترس از همه گناهان است.

از جمله مباحث مهم و قابل توجه، بحث جرائم و آفات زبان است، زیرا بیش از آن اندازه کس نعمت بیان و زبان مفید و ارزشمند است جرائم و آفات آن زیانبار و ناپسند است و همانگونه که هیچ عبادتی نزد خداوند برتر از از سخن حق نیست هیچ گناهی نیز بالاتر از سخن باطل نمیباشد. در تعالیم آسمانی و کلمات حکیمان درباره آفات زبان مطالب بسیار ارزنده و جالبی دیده می شود که بررسی تمام آنها از حوصله بحث ما خارج است ولی در حد توان به قسمتی از آنها اشاره خواهیم کرد.

اصلاح «زبان» و گفتار از آن جهت اهمیت فوق العاده در بحث های اخلاقی به خود گرفته که زبان ترجمان دل و نماینده عقل و کلید شخصیت انسان است و مهم ترین دریچه ای می باشد که به روح انسان گشوده می شود. به روشنتر آنچه در صفحه روح بشر نقش می بندد. (اعم از پدیده های فکری و عاطفی و احساساتی) قبل از هر چیز بر صفحه زبان در لابلای گفته های او خودنمایی می کند. اگر در گذشته اطبا قسمت مهمی از اعتدال و انحراف را از چگونگی زبان تشخیص می دادند، رو افکاران امروز بیشتر مسایل روانی را در اخلاق گفتگو های افراد جستجو میکنند! روی این جهات است که علمای اخلاق اهمیت خاصی برای اصلاح زبان قائل هستند و اصلاح آن را نشانه تکامل روح و تقویت فضائل و ملکات برجسته اخلاق می داند. ۱

امام علی (ع) می فرماید: «المرء محبوب تحت لسانه»، «شخصیت آدمی زیر زبان او نهفته است» ۲ هنگامی که زیر ضربه های تازیانه بود، رها می کرد. «تکلموا تعرفوا المرء محبوب تحت لسانه» «سخن گویند تا شناخته شوید که آدمی زیر زبانش پنهان است» این یکی دیگر از سخنان آن حضرت که نمی توان ارزش و بهای آن را تعیین کرد و به همین معنی را مردم خود متجاوز ساخته و به کار برده اند. سخن گویند تا شناخته شوید، زیرا (شخصیت) هر کس در زیر زبانش پنهان است. ۳

انسان زیر زبان خود پنهان است. یعنی نه تنها شخصیت علمی بلکه شخصیت اخلاقی و اجتماعی و به طور کلی شخصیت انسانی او نیز زبان اوست و تا سخن نگفته باشد هنرش نهفته باشد. امام صادق (ع) می

فرماید: «لا یستقیم ایمان عبد حتی یستقیم قلبه، و لا یستقیم قلبه حتی یستقیم لسانه» استقامت و راستی زبان وجود پیدا نخواهد کرد. اصلاح زبان آن گاه که آشکار تر می گردد که بدانیم قسمت مهمی از گناهان مانند قسمتی به وسیله زبان. ۱.

یکی از محرمات و آفت های خطرناک زبان، دروغ گفتن است. دروغ از گناهان بزرگ و کلید گناهان و سرچشمه تمام بدی ها و زشتی ها است. مومن با فضیلت هیچ گاه زبانش را به این خوی زشت عادت نمی دهد، چه آنکه دروغ از انسان شخصیتی کاذب و وارونه ساخته و اعتبار او را از بین می برد و اعتماد عمومی را سست می کند؛ ولی چون دروغ کار آسانی است و مایه زیادی نمی خواهد. متأسفانه بعضی از مردم به گمان آن که زودتر به مقصد برسند به آن متوسل می شوند و بدین منظور آسمان و ریسمان را به هم می بافند و چه بسا در یک روز ده ها دروغ می گویند. و نقطه فاجعه آن ها است افراد نسبت به بازتاب های منفی و عواقب شوم آن در زندگی فرد و اجتماعی نمی اندیشند، دروغ را به حسب زرنگی و زیرکی می گذارند و راستگویان را افرادی بی عرضه و بی سیاست می پردازند. ولی آنها از این نکته مهم غافلند که دروغ پردازی بر خلاف فطرت پاک و شخصیت والای انسان است و نمی دانند که دروغ دشمن و ستیزه جویی با خداوند متعال و برخلاف فلسفه آفرینش پروردگار است، زیرا او جهان را بر اساس صدق و راستی و حقیقت و دروستی بنا نهاده است. ۲.

چند می فرماید: «و هو الذی خلق السموات و الارض باحق...» او کسی است که آسمان ها و زمین را به حق آفریده ۳

در سراسر جهان هستی قانون صداقت و صراحت و حقیقت ساری و جاری است. هرچند به حسب ظاهر در عالم هستی تضادها و تعارض ها دیده می شود ولی دروغ و خیانت در طبیعت اصلاً وجود ندارد. اصولاً حقایق ناب را در طبیعت و هستی باید جستجو کرد و از زبان آفرینش باید شنید. مگر جز این است که تمام قوانین علمی و فلسفی برداشتی است نسبی از جهان هستی و قوانین حاکم بر آن و طالبان حقیقت (چه آنهایی که از دریچه عرفان به عالم می نگرند و چه آنهایی که در راستای تجربه یا فلسفه و برهان گام بر می دارند) همه و همه در اسرار هستی می اندیشد و از آن الهام می گیرند و جز با هستی و قوانین حاکم بر آن سر و کاری ندارند، خداوند متعال نیز از طریق آیات آفاق و انفس ما را به حقایق عالم رهنمون می شود. ۱.

آیه قرآن «سنریهم ایاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق...» «ما آیات و نشانه های خود را در آفاق و انفس به آنها نشان می دهیم تا برای آنها آشکار شود که (آنچه محمد(ص) آورده) عین حقیقت است»

صاحبش را هلاک می کند. ۳۹) دروغ باعث نابودی ایمان میشود. ۴۰) دروغگو از بزرگترین گناهکاران است.

زیان های دروغ

دروغ برای دروغگو زیان های اجتماعی دارد. زیانهای اقتصادی و زیان های روانی دارد. فرمودند دروغگو لب پرتگاه خواری و هلاکت قرار دارد زیرا دروغ ایمان را از قلب دروغگو بیرون می کند و خودش به جای آن بر زبانش می نشیند کسی که ایمان داشته باشد نزد دوست و دشمن محترم است است نزد مسلمانان و کبر و ترس و یهود ارجمند است مورد اعتماد همه خردمندان است کسی که ایمان داشته باشد خیانت نمی کند دزدی نمی کند حق مردم را می دهد و وجودش برای جامعه سودمند است پس چرا محترم نباشد و چرا ارجمند نباشد و چرا خردمندان و عقلا به او اعتماد نکنند خدا هم در این جهان و در جهان دیگر پاداش عالی به وی خواهد داد یکی از زیان های اجتماعی دروغ رسوایی است رسوایی همیشه در انتظار دروغگو میباشد رسوا شدن نزدیکیا نزد چند نفر یا نزد جامعه دروغگو پنهان نخواهد ماند و روزی برملا خواهد شد دروغگو هر چند زیرک باشد اطراف و جوانب دروغ را بسنجد محال است که دروغ کشف نشود کشف دروغ رسوایی را در پی دارد چیزی که هست چون دروغ های مختلف است گاه زود می شود گاه دیر و گاه در خانه خود نزد زن و فرزندش رسوا خواهد شد و گاه نزد دوستان و خویشان و گاه در یک شهر یا مملکتی رسوا می شود دیگر از زیان های اجتماعی دروغ بی آبرویی است دروغ های چندی که از دروغگو کشف شود ای او که مکرر گردد بی آبرویی نصیبش می شود رسوایی دروغگو کشف دروغ است و بی آبرویی دروغگو بی حیثیت و بی ارزش شدن اوست عقلا و خردمندان همیشه به دنبال حیثیت و آبرو می رود ثروتمند ثروت خود را برای خریدن حیثیت و آبرو هدف می کند قدرتمند قدرت خود را برای رسیدن به این موفقیت بهکار می اندازد دانشمند از دانش خود برای جلب افکار عمومی بهره برداری می کند محبوب ترین چیزها نزد عقلا حیثیت و آبرومندی می باشد و آخرین هدف آنها هم این خواهد بود چون دارو ندار خود را فدای آن می کنند ولی دروغگو با دست خود این موقعیت را از بین می برد دروغگو از هر طبقه ای باشد از همه افراد راستگویی آن طبقه آبرویش کمتر و بی حیثیت تر خواهد بود اگر دروغگویی به واسطه شتر مآبی مردم ایران یا به واسطه احتیاجی که به او دارند به زودی نتواند بی آبرویش را در یابد به یقین دیری نخواهد پایید که گویی بی آبرویش خود را میشنوند که بر سرکوهی و بر زن ها می زنند از زیان های اجتماعی دروغ بی ارزش شدن سخنان و دروغگو نزد مردم است اگر بنا شد برای هر موجودی میزانی برای قیمت آن باشد یکی از میزان هایی که برای قیمت انسان می توانند در نظر گرفت ارزشی است که مردم برای سخنش قائل هستند هرچه مقدار ارزش سخنش کمتر باشد گوینده بی بهاتر خواهد بود سخن سرمایه انسان است و موجب امتیاز و از از جانوران است دروغگو اگر

بالاترین ارزش ها را برای سخنانش به دست آورده باشد همین که به دروغگویی پرداخت و مردم برای رفتش شناختن ارزش سخنش نابود می شود و با جانوران در یک ردیف قرار خواهد گرفت امام جعفر صادق علیه السلام از حضرت عیسی علیه السلام نقل می کند که حضرت عیسی علیه السلام فرمود من کسر کذبه ذهب بهاوه کسی که دروغش بسیار شود نورش می رود شاید مقصود از نور همان ارزش است که سخنش نزد مردم دارد آیا شاگردان برای سخنان استاد و دروغگو ارزشی قائل هستند آیا ملت برای سخنان وزیر دروغگو ارزش قائل می باشند آیا بازار برای وعده های بازرگان دروغگو ارزش قائل است آیا آخوندی که دروغ بگوید می توانند مردم را به راه راست هدایت کند

زبانی که با راستی یار نیست به گیتی کس او را خریدار نیست

چو خواهی که بخشی از تو گیرد فروغ زبان را مگردان به گرد دروغ

دیگر از زیان های اجتماعی دروغ سلب اعتماد ای است که از ناحیه مردم نصیب دروغگو می شود اعتماد مردم بهترین راه موفقیت است بیشتر موانعی که در راه و سول به هدف ها پیدا می شود به وسیله جلبه اعتماد مردم برطرف می گردد دروغگو خود را از این نعمت پر قیمت محروم می سازد و با پای خویش به سوی سیاه بختی می تازد کسی که مورد بی اعتمادی قرار گرفت بایستی از جامعه کناره گیری کند و در گوشه ای به انتظار مرگ بنشیند زیرا دیگر نمی تواند در آن جامعه موفقیتی به دست آورد چقدر تلخ است برای مردی که زنش سخن او را باور نکند ایشان از سخنانش را باور نکنند و دوستانش نیز سخنانش را باور نکند دروغگو اگر از بیچارگی خود بیماری اش و شخصیتش سخن بگوید کسی نمی پذیرد و دیگر از زیان های اجتماعی دروغ آن است که دروغگو مورد سوء ظن و بدبینی مردم قرار می گیرد بلکه گاه کارش از این هم بالاتر می رود و بر اثر دروغ مورد تنفر قرار خواهد گرفت دیگر از زیان های اجتماعی دروغ ذلت و خواری است و سخریه و استهزا ست که نصیب دروغگو می شود و همچنین روسیاهی است یکی از بدبختی های دروغگو آن است که کمتر مورد عاطفه قرار می گیرد خدمت هایش ارزشی ندارد و از طرف دگران قدردانی نمی شود زیرا دروغگویی می برد و دستش را بی نمک می کند آیا روسیاه تزئین می باشد

۱

راه های عطاچ و درمان دروغ

علمای علم اخلاق درباره معالجه این مرض مزمن و کشنده دستوراتی داده اند که ما به صورت اختصار بد آن ها اشاره می کنیم

۱. انسان دروغگو در آیه و روایاتی که در مذمت دروغ وارد شده به اندیشمند و به آثار سوء و عواقب دردناک آن فکر کنند و خویشان را با دست خود به هلاکت نیندازند

ببینند که دروغگویان علاوه بر عذاب اخروی در دنیا نیز از نظر ها ساقط بوده و در قلب ها جا ندارند
واحدی به آنها اعتماد نکرده و به سخن آنها ترتیب اثر نمی دهد و آنچنان موزون و پست می گردند که
حتی سخنان درست و صحیح آن ها را هم کسی گوش نمی کند.

۳ به زندگی و حالات دروغگویان دیگر بیاندیشید که چگونه در اثر کشف واقع و روشن شدن دروغشان
رسوا و مفتضح می گردند زیرا علاوه بر آنکه حقیقت برای همیشه زیر پرده پنهان نمی ماند و خلاصه
روزی آشکار می گردد خود را دروغ گویان به خاطر فراموشی که خدا به آنها می دهد پس از مدتی بافته
های خود را باز کرده و بر خلاف گفته های قبلش آن سخن می گویند تا جایی که ضرب المثل شده است
که دروغگو کم حافظه است و امام صادق علیه السلام نیز به همین معنا اشاره فرموده است «ان مما اغان
الله به علی اللذی ابین النشیان» و چون پرده از روی خلاف گویی آنان برداشته شود در بین مردم رسوا
مفتضح می گردد

۴ در آیات و روایات وارده در مدح و ستایش راستی و راستگویی تعامل بیشتری نمایید و خود را مهیا کند
که راست بگوید تا از برکات راستی و راستگویی بهره مند گردد

۵ مجالست و معاشرت با فساق و دروغ گویان را ترک کرده با علما و نیکان هشت و نشر داشته باشد و با
سال ها و راستگویان معاشرت نماید تا از مفاسد و خطرات مجالست اهل گناه در امان مانده و از فضیلت
مجالست با سوال ها و نیکان بهره مند گردد زیرا معاشرت با دروغگویان خود یکی از عوامل و اداره کننده
به دروغ است و انسان همراه آنان معتاد به دروغ گفتن می گردد و مجالس نیکان یکی از عوامل
بازدارنده از دروغ است ۱

انتخاب جاده حقیقت

هر زمانی که شیطان شروع به وسوسه ما می کند باید یاد بگیریم قلب هایمان را به سوی حق و عمل به
آن متمایل کنید بدون توجه به آن چه منطق انسانی یا احساسات ما می گویند باید کلام حق را با صدای
بلند و بارها و بارها برای خود تکرار می کنیم تا حقیقت جای باورهای دروغ را بگیرد بعد از مدتی از قدرت
حق و زدودن افکار منفی شگفت زده خواهیم شد حالا این فرصت را دادیم که به باور دروغ ها ادامه دهیم
یا حقیقت را در آغوش گیریم جنگ واقعی از اینجا شروع می شود احساسات ما تمایل دارند فریب ها را
دنبال کنند دوست دارند عصبانی بمانند دوست دارند تلافی کنند ولی از ته قلب می دانیم که انتخاب ما

را به بردگی می کشاند گاهی غلبه بر هوای نفس بلافاصله حاصل نمی شود اما با توکل بر خدا و طلب یاری او می توان پا در جای سعادت نهاد خدا بینش به ما خواهد بخشید که بتوانیم نشانه های کمرنگ شده حقیقت را در جاده تاریک گمراهی بشناسیم و خود را نجات دهیم رهایی از بردگی شیطان میوه شیرینی است که محصول شناخت باور و عمل به حقیقت است اما چگونه می توان حق را بشناسیم حقیقت تنها یک اعتماد یا یک فلسفه نیست اگر در جستجوی حقیقت هستیم باید با مطالعه و درک کلام خدا گمشده خود را در یابیم اما شناخت حق تنها کافی نیست ما باید با حق احاطه شویم یعنی باید بخواهیم تا افکار یا شیوه زندگی مان بر اساس حقیقت تغییر کند میلیون ها انسان مدعی این داری فریب خورده اند زیرا در مسیری قدم بر می دارند که منطبق بر ان جی نیست ارزش ها واکنش ها و ضوابط انتخاب ها و اولویت هایشان نشان می دهد که هنوز اسیر دروغ های شیطان هستند و شیوه تفکر دنیوی را پذیرفته اند نمی توانیم تصور کنیم چون دیگران دیدگاه فکری خاصی را دارند پس حقیقت همان است و مثلاً چون فلان نویسنده معروف چنین حرفی زده یا چون دوست صمیمی من اینگونه فکر می کند لزوماً افکار و اعتقادشان منطبق بر حق است زندگی خداپسندانه نیاز به انتخاب آگاهانه دارد باید بدانیم هر زمان که چشمان را به روی کلام خدا باز می کنیم در واقع چشمان را به روی حقایق گشوده ای ۱

نتیجه

از مجموعه آنچه گذشت استفاده می شود که دروغ از آفات زبان و خواب کننده ایمان است دروغ در دنیا و آخرت انسان را از رحمت الهی محروم و در میان مردم بی اعتبار می کند دروغ اعتماد عمومی را سلب و جامعه را به بیماری نفاق دچار می سازد و جالب ترین نکته که در اخبار آمده است آن است که علت های اصلی دروغ عقده حقارت و خود کم بینی انسان دروغگو و است و این یکی از نکات روانی است که به عنوان روانشناسی اخلاقی در کلمات معصومین علیه السلام به آن اشاره شده است باید انسان دروغگو سعی کند که به اصلاح این رذیله اخلاقی بد بپردازد تا بتواند با ریشه کن کردن آن به جاده سعادت صبح پیدا کند و گرنه دروغ باعث نابودی او در جامعه و بی ارزش شدن خود انسان و سخنان و جایگاهش می شود

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

اسلامی حسن دروغگو مصلحت آمیز چ سوم موسسه بوستان کتاب قم ۱۳۸۷

ابی الحدید عذالدین ابو حامد ابن جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ج ۸ چ دوم م نشر من تهران ۱۳۷۵

بهرام پور ابوالفضل فضل تفسیر یک جلدی مبین چ سوم آوای قرآن قم ۱۳۹۱

تا جانی شهرام گناهان کبیره زبان چ اول شهریار قم ۱۳۸۹

صدر رضا دروغ چ پنجم موسسه بوستان کتاب قم ۱۳۸۷

طاهری حبیب الله درسهای از اخلاق اسلامی یا آداب سیر و سلوک ج ۱ چ چهاردهم دفتر انتشارات اسلامی قم ۱۳۹۲

کلینی محمد یعقوب اصول کافی ج ۵ چ اسوه قم ۱۳۸۱

کریمی فریدونی علی پرتوی از پیام پیامبر چ هشتم حلم قم ۱۳۸۶

لیدی موس نانسی ترجمه پورعلمداری دروغ هایی که زنان باور می کنند و حقایقی که آنها را آزار می سازد ج ۱ چ اول دفتر نشر معارف قم ۱۳۸۷

مکارم شیرازی ناصر زندگی در پرتو اخلاق چ پنجم انتشارات سرور قم ۱۳۸۴

مکارم شیرازی ناصر تفسیر نمونه ج ۴ چ ۳۳ الکتاب الاسلامیه تهران ۱۳۷۷

مهدوی کنی محمدرضا نقطه های آغاز در اخلاق عملی چ ششم دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران ۱۳۷۵

مظهر قرام کی حمید عاقبت گناهان کبیره چ اول وحدت بخش قم ۱۳۹۱

نراقی احمد معراج السعاده چ هفتم انتشارات وحدت بخش قم ۱۳۸۹

نوروزی محمد آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن چ پنجم موسسه بوستان کتاب قم ۱۳۹۰